



Interaction of Seyyed Hossein Nasr's views with the people of the book in the book of contemporary commentary*

Hossein Alavi Mehr^۱

Abstract

“The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”] is written in a Christian environment. In the Holy Quran, the principle of the religions of Judaism and Christianity is discussed and Moses and Jesus are considered as the divine prophets. The Torah [= Old Testament] was revealed to Moses and the Bible [= New Testament] to Jesus while Quran has criticized the behavior and thoughts of Jews and Christians, especially criticized the Jews’ actions during the time of the Prophet of Islam (P.B.U.H.) and has excommunicated them in some instances. “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”] edited by Seyyed Hussein Nasr have biasedly justified Judaism and Christianity in the contemporary era and has justified or covered up some of their false beliefs and ideas. The current article criticizes some of the biased views of this interpretation in dealing with the People of the Book [Ahl al-Kitab]. The religious pluralism accepted in this exegesis is severely criticized by the commentators and verses of the Quran and Islamic narrations. The non-distortion of the Bible which is affirmed by this exegesis has been rejected for many reasons by the verses, hadiths and views of the commentators. The Holy Quran considered the issue of Trinity as a cause of disbelief which in common in contemporary Christianity or there is no plausible justification for it and also considering temporary Hellfire for the Jews is quite different from that of the getting some Muslims out of hell.

Keywords: Interaction with the People of the Book [Ahl al-Kitab], “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”], Seyyed Hossein Nasr, Critique of the Book of “The Contemporary Interpretation” [= “The Study Quran”], Critique of Religious Pluralism.

*. Date of receiving: ۹, April, ۲۰۲۱ Date of approval: ۲۵, June, ۲۰۲۱.

۱. Associate professor of Al – Mustafa international university, halavimehr@gmail.com



تعامل دیدگاه‌های سیدحسین نصر با اهل کتاب در کتاب تفسیر

معاصرانه^۱

حسین علوی مهر^۲

چکیده

تفسیر معاصرانه قرآن کریم در محیطی مسیحیانه به نگارش درآمده است، قرآن کریم، اصل دین یهود و مسیحیت و حضرت موسی و عیسی را از پیامبران الهی می‌داند که کتاب تورات بر حضرت موسی و انجیل بر حضرت عیسی نازل شده است؛ اما قرآن کریم رفتار و اندیشه‌هایی از یهودیان و مسیحیان را مورد نقد قرار داده است، به‌ویژه برخورداری‌های یهود در زمان پیامبر اسلام ﷺ را مورد انتقاد قرار می‌دهد و در مواردی به تکفیر آنان پرداخته است. تفسیر معاصرانه قرآن کریم با سرویاستاری سید حسین نصر، به‌طور جانب‌دارانه دین یهود و مسیحیت در دوران معاصر را به‌حق دانسته و نسبت به برخی عقاید و اندیشه‌های باطل آنان توجیه نموده یا سرپوش گذاشته است. در این مقاله به نقد برخی از دیدگاه‌های جانب‌دارانه این تفسیر در تعامل با اهل کتاب پرداخته شده است. تکثرگرایی دینی که در این تفسیر تأیید شده است، مورد نقد جدی مفسران و آیات قرآن و روایات اسلامی است. عدم تحریف کتاب مقدس که مورد حمایت این تفسیر قرار گرفته است، طبق دلایل فراوانی از آیات و روایات و دیدگاه‌های مفسران مردود شمرده شده است. مسئله تثلیث که در قرآن کریم موجب کفر شمرده شده است، در میان مسیحیت امروز عمومیت داشته و با هیچ توجیهی پذیرفتنی نیست.

واژگان کلیدی: تعامل با اهل کتاب، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، سید حسین نصر، نقد،

تکثرگرایی.

^۱ - تاریخ دریافت مقاله ۱۴۰۰/۱/۲۰؛ تاریخ تأیید مقاله ۱۴۰۰/۴/۴.

^۲ - دانشیار جامعه المصطفی العالمية - halavimehr@gmail.com



مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم قرآن کریم، بحث طرح ادیان آسمانی به‌ویژه اهل کتاب است. در سوره‌های بقره، آل عمران، مائده و... خداوند متعال ادیان آسمانی به‌ویژه دو آیین بزرگ یهود و مسیحیت را مطرح و مورد تأیید قرار داده است و تأیید قرآنی به معنای تأیید پیامبر آنان است؛ یعنی حضرت موسی علیه السلام و کتاب آسمانی ایشان؛ یعنی تورات که از جانب خدا نازل شده است و حضرت عیسی علیه السلام و کتاب آسمانی ایشان؛ یعنی انجیل که از جانب خدا نازل شده است؛ اما تمام اعمال یهود و نصاری یا اهل کتاب و کتاب فعلی آنان را مورد تأیید قرار نداده است.

جهان با انواع ادیان آسمانی و غیرآسمانی از جمله مسیحیت، یهود، اسلام، زرتشت، هندائیسیم، بودیسم و... مواجه است، به‌ناچار باید از منظر عقل و دین درباره تکثر آن، حقانیت یا بطلان، هدایت مطلق یا ضلالت آن داوری کرد. فراوانی ادیان یک امر واقعی و خارجی است که به‌ناچار دانشمندان اسلامی درباره حقانیت آن دیدگاه خود را ارائه دهند و با دلایل عقلی و نقلی حق یا بطلان برخی را اثبات کنند.

اندیشه برتری مسیحیت تا قرن ۱۶ بر جهان حاکم بوده است و اندیشه برتری یهود بر سایر ملل و ادیان تا عصر ما همچنان ادامه دارد.

قرآن کریم رفتار و کردار و اندیشه‌های یهودیان و مسیحیان را مورد نقد قرار داده است، به‌ویژه برخوردهای یهودیان که در زمان پیامبر اسلام به مبارزه با آن حضرت بر خواستند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- در آیه ۹۹ سوره آل عمران خداوند می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ؟»
«چرا شما صد سبیل الهی می‌کنید؟ راه الهی را می‌بندید.»

۲- در آیه ۱۰۱ آل عمران می‌فرماید: «وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ؟»
«چگونه کافر می‌شوید در حالی که آیات الهی را دارید تلاوت می‌کنید و رسول خدا یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم هم در میان شما هست؟» یا در آیه ۱۱۲ آل عمران که می‌فرماید: «ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ أَيْنَ مَا نَفَقُوا إِلَّا لِحَبْلِ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ وَبَاؤُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ؟» که دو بار بحث ذلت و بحث مسکنت، گویا خداوند مهر قطعی زده است «ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ».

آیات دیگری که به‌طور معمول خداوند متعال ایراد می‌گیرد و از برخورد یهودیان و مسیحیان با

مسلمانان انتقاد می‌کند، به‌ویژه در برخورد هایشان با رسول گرامی اسلام و آیات قرآن.

بحث اصلی این تحقیق در رابطه با تعامل تفسیر معاصرانه با ادیان است. این تفسیر با سرویراستاری جناب دکتر سید حسین نصر به تألیف درآمده است که در موضوعات مختلفی نیاز به بررسی و ارائه دیدگاه صحیح از تفسیر همان مسلمانان دارد. از آنجاکه این تفسیر اخیراً به فارسی ترجمه و منتشر شده، نقد آن پیشینه خاصی ندارد.

۱. تکرگرایی دینی

یکی از بحث‌های دوران معاصر به‌ویژه در این چند دهه، بحث پلورالیسم و تکرگرایی دینی است. مسیحیان به‌ویژه پروتستان‌ها با توجه به اشکالاتی که در کتاب مقدس مشاهده کردند و همچنین برخی از دانشمندان غربی بحث تکرگرایی دینی را در دنیا مطرح کردند؛ بدین معنا که اشکال ندارد، انسان تابع هر یک از ادیان باشد و هر دینی در جایگاه خود قرار دارد و هر دینی می‌تواند نجات‌دهنده انسان در آخرت و حق باشد. مسیحی باشد یا یهودی باشد یا صائبی و یا حتی طرفدار هر دین دیگر، تفاوتی در حق بودن آن‌ها نیست، نویسنده کتاب تفسیر معاصرانه قرآن کریم گاهی تمایل و گاهی تصریح به پلورالیسم و تکرگرایی دینی و حق بودن هر یک از ادیان دارد.

در این تفسیر در ذیل آیه ۶۲ سوره بقره: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِيْنَ وَالصَّالِيْنَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛ این آیه و همچنین ذیل آیه ۶۹ سوره مانده نیز در آیه ۱۷ سوره حج مشابه مضمونی با این دو آیه دارد و کلمه «مجوس» هم در آن آمده است، ولی در اینجا بحث «مؤمنان»، «هادوا»، «نصاری»، «صابئین» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۱۹۱ - ۱۹۳ و ۲۰۶؛ ۲/۳۹۳ - ۳۹۵)، خوب ایشان دیدگاه‌های مختلفی را در ذیل این آیه شریفه مطرح کرده‌اند و چند دیدگاه راجع به این آیه و مشابه این آیه وجود دارد و مهم‌ترین دیدگاه این است که ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِيْنَ وَالصَّالِيْنَ﴾؛ مؤمنان، یهودیان، نصاری و صابئین که ایشان چند قول را برای صابئین مطرح می‌کنند، کسانی که فرشتگان را می‌پرستیدند و زبور می‌خواندند یا یکتاپرستی که به تأثیر کواکب معتقد بودند یا پیروان دین حضرت نوح و این چند نظریه را در مورد صابئین مطرح می‌کند و مکان آن‌ها را هم بیان می‌کند؛ اما از نظر تفسیری دانشمندان و علمای اسلام این آیه را مربوط به عصر هرکدام از پیروان ادیان دانستند. نظر صحیح این است که دین اسلام دینی است که در زمان ما تنها دین است و پیامبر ما طبق آیه قرآن خاتم انبیاء است ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ



مَنْ رَجَالِكُمْ وَلَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ؛ کتاب آسمانی مسلمانان قرآن است، آخرین کتاب آسمانی جاودانه و برای همه ملل و مردم دنیا است.

یهودیان، نصاری و صابئین در زمان خودشان «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا»؛ اگر ایمان حقیقی به خدا و به روز قیامت آورده باشند و اعمال شایسته انجام داده باشند «فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، این‌ها مشکلی در ایمان ندارند؛ اما در زمان ما! که دینی کامل‌تر و پیامبری خاتم آمده است، تفسیر معاصرانه از دیدگاه قُشیری و برخی از عرفا نقل تمایل خود را به پلورالیسم و تکثرگرایی دینی بیان می‌کند، ایشان می‌گویند: «تفاوت در راه‌ها در عین وحدت، وحدت مبدأ مانع از زیبایی قبول نیست، هر کس حق را در نشانه‌های حضرتش تصدیق کند و به حقیقت و صفات او که خود از آن خبر داده است؛ یعنی به حق و صفات او ایمان بیاورد، در آن صورت تباین در شرع و اختلاف در به کار بردن نام‌ها به شایستگی او برای خشنودی خداوند خدش‌های وارد نمی‌سازد (همان: ۱/۱۹۱). می‌خواهد بگوید هر کسی طبق آن کتاب آسمانی که به او داده شده است و الان موجود است، می‌تواند ایمان بیاورد، همچنین می‌گوید که در این صورت اینکه تباین در شرع وجود داشته باشد و اختلاف نام (دین) باشد، یکی یهودی باشد، یکی مسیحی و یکی صابئین است، این مشکلی ایجاد نمی‌کند و خدش‌های برای خشنودی خداوند وارد نمی‌سازد. این تمایلی است که در این تفسیر مشاهده می‌شود.

ایشان در علت اینکه یهودیان و مسیحیان دین اسلام را در زمان پیامبر انکار کرده‌اند دو علت می‌آورد:

یک: ممکن است، هرگز پیام پیامبر اسلام به آنان نرسیده باشد که در این صورت جاهل قاصر هستند، نه جاهل مقصّر.

دوم: محیط به‌گونه‌ای بوده است که وقتی پیامبر را مذمت می‌کنند و او را دروغ‌گو معرفی می‌کنند، چرا مسیحیان و یهودیان به چنین پیامبری ایمان می‌آوردند. وضعیت محیط به‌گونه‌ای بوده که اقتضاء داشت، ایمان نیاورده و بر دین خویش باقی بمانند.

این حرف هم توجیه‌پذیر نیست و این حرف غلطی است و قرآن به شدت با دروغ‌گویی و کذب یهود مبارزه می‌کند و کفر اهل کتاب را چنین بیان می‌کند.

«لَمْ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ»؛ «لَمْ تَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبِعُونَهَا عِوَجًا»؛ «وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ»؛ این‌ها همه نشان می‌دهد که اهل کتاب نسبت به پیامبر کفر ورزیدند و

این کفر، کفر جاهلانه نبوده است، بلکه کفر مقصّرانه و عمدی بوده است.

همچنین تفسیر معاصرانه نیز بر آن است که: «ابوحامد غزالی متکلم و عارف در اثر نامدارش با عنوان «فیصل التفرقة» استدلال می‌کند که «مسیحیان بیزانس/روم» و «ترکان» (در آن زمان هنوز خارج از اسلام بودند) مشمول رحمت خدا قرار می‌گیرند (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱۹۱/۱).

در آخر می‌گوید: همان‌طور که موضع غزالی روشن می‌سازد، به سختی می‌توان چنین انکاری را در حق آنان اثبات کرد، به‌ویژه با توجه به این‌که انکار افراد نسبت به اسلام و زمان‌های بعد می‌تواند صرفاً حکمی ابراز شده درباره مسلمانان باشد و نه درباره خود پیامبر - به‌علاوه بدون در میان آوردن ناسازگاری‌هایی در بحث، معنای صریح آیه را نمی‌توان انکار کرد (همان: ۱۹۳/۱).

در این تفسیر با صراحت بیشتر در ذیل آیه ۶۹ سوره مائده تکثرگرایی دینی را پذیرفته و ادیان یهود، مسیحیت، صابئین حتی ادیان غیرابراهیمی را نیز اهل نجات و حق می‌داند (همان: ۳۹۳/۲).

در ذیل آیه ۶۹ سوره مائده می‌نویسد: این آیه تقریباً با آیه ۶۲: ۲ یکی است؛ ر.ک: ت ۶۲: ۲. نیز این آیه را مقایسه کنید با آیه ۱۷: ۲۲، که می‌فرماید: خداوند در روز رستاخیز میان آنان که ایمان آورده‌اند، یهودیان، صابئان، مسیحیان و مجوسان (یا زردتشتیان، مجوس) داوری می‌کند؛ اما آیه فعلی، با توجه به اینکه در سوره‌ای قرار دارد که عمده بحث آن درباره اهل کتاب است و افزون بر این در ضمن بخش مفصلی از این سوره قرار گرفته است که حاوی مباحثی انتقادی درباره اهل کتاب است، می‌توان آن را بیانگر یکی از مهم‌ترین اظهارنظرهای قرآن کریم درباره قابلیت غیرمسلمانان برای دست‌یابی به نجات دانست. اگرچه از یهودیان، مسیحیان و صابئان به‌طور خاص نام برده شده است، این آیه به‌طور وسیع‌تر ناظر به هر کسی است که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته و عمل شایسته انجام دهد، بدین‌وسیله باب نجات را حتی برای مؤمنان خارج از ادیان ابراهیمی می‌گشاید. این آیه در کنار آیه ۵ که ازدواج میان مردان مسلمان و اهل کتاب را مجاز می‌داند و آیه ۴۸ که می‌فرماید: خداوند بیش از یک «شریعت» و «راه» مقرر داشته است، دلیل بر اعتبار همیشگی یهود، مسیحیت و دیگر ادیان و حیاتی است و این با وجود انتقاد شدید از برخی عقاید و اعمال یهودی و مسیحی است که در این سوره و دیگر سوره‌های قرآن آمده است.

در آیه فعلی می‌نویسد در خصوص کسانی که هم ایمان آورده و هم درست عمل کرده‌اند، نه بیمی بر ایشان است - یعنی آنان هراسی از آینده خویش پس از رستاخیز ندارند - و نه اندوهگین شوند؛ یعنی



اندوهی درباره گذشته یا درباره اینکه دنیا را ترک کرده‌اند، ندارند؛ زیرا آنچه به یقین می‌دانند که در آخرت دریافت می‌دارند، بهتر است (رازی). به عبارت دیگر، اینکه چنین افرادی نگران آینده یا گذشته نیستند، حاکی از این است که آنان که به نجات دست یافته‌اند، در اکنون سرمدی وضعیت بهشتی می‌زیند (همان: ۱/ ۳۹۳-۳۹۵).

نقد تکثرگرایی

۱. ایمان به خدا لوازمی دارد، از جمله آن ایمان به رسول خدا یعنی محمد ﷺ و کتاب آسمانی اوست که مایه نجات و در مقابل کفر و تکذیب آن مایه عذاب و هلاک الهی است (حدید/ ۷- ۸، ۱۹؛ مائده/ ۸۴- ۸۶).

۲. خداوند با آوردن پیامبر اسلام ﷺ حجت را بر اهل کتاب تمام کرده است؛ زیرا پس از دوران جاهلیت و فاصله زمانی (بیش از ۶۰۰ سال) بین پیامبران، پیامبری که قبلاً در کتب آسمانی وعده داده شده بود؛ یعنی محمد ﷺ آمده است تا حجت را بر آنان تمام کرده و بشارت‌دهنده و اندازکننده او باشد و او هدایت‌گر اصلی است (مائده/ ۱۴- ۱۷)؛ بنابراین هرگونه تفکر انحرافی در ایمان از جمله تفکر الوهیت حضرت مسیح و تثلیث در آیین مسیحیت موجب کفر خواهد بود و پذیرفتنی نیست (مائده/ ۷۲- ۷۳).

همچنین خداوند ایمان نیاوردن به پیامبر ﷺ و عمل نکردن به دستورهای اسلام را سرزنش می‌کند و عقاید آن‌ها را مردود می‌داند؛ زیرا یهودیان عزیر را پسر خدا و مسیحیان، حضرت عیسی را پسر خدا می‌دانند (توبه/ ۹۰) و این عقیده باطل هست؛ زیرا خداوند هرگز فرزندی ندارد و چنین عقیده‌ای موجب کفر است (مریم/ ۸۸- ۹۱).

۳. در قرآن کریم واژه «صراط» که به نوعی مربوط به دین حق می‌شود، در همه جا به صورت مفرد به کار رفته است؛ اگرچه بیشتر با اِتصاف کلمه «مستقیم» است؛ اما گاهی با اضافه کلماتی مانند «سوی»، «ربی»، «ربک»، «عزیز»، «الله» و «باء متکلم» است که نوع خاصی از دین و صراط را مطرح می‌کند و راه‌های دیگر را منحرف می‌داند، مانند تعبیر قرآن به «نور» که در همه جا مفرد است و در مقابل آن «ظلمات» که راه‌های تاریک و انحرافی را بیان می‌نماید.

واژه «صراط» که به کلمات فوق اضافه شده است، به معنای راه خاص است، نه این که نکره‌ای باشد که از آن «صراط‌های مستقیم» قابل برداشت باشد، به‌ویژه در صورتی که با «الف و لام (ال)» تعریف باشد و آن راه روشن و معروفی است و انحصار را می‌رساند، از جمله «اهِدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»؛

(فاتحه/۶) «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ»؛ (انعام/۱۵۳) «أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا»؛ (مریم/۴۳) «وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»؛ (سبأ/۶).

۴. آیاتی در قرآن داریم که به اهل کتاب نسبت کفر می دهد، اینان آیات الهی را نمی پذیرند و پیامبر اسلام و پیام های او را رد می کنند (آل عمران/۱۰۱).

۵. بحث کثرت گرایی دینی با بحث وحدت و کثرت رایج در میان حکیمان و عارفان تفاوت دارد؛ چراکه بحث وحدت و کثرتی که در فلسفه و عرفان مطرح است، به هستی تعلق دارد، ولی بحث پلورالیسم دینی به کثرت ادیان مرتبط است، در مسئله تکرر و تنوع ادیان سه پرسش مطرح است:

الف. پرسش اخلاقی: با پیروان ادیان و مذاهب دیگر چه رفتاری باید داشته باشیم؟

ب. پرسش کلامی: آیا پیروان دیگر ادیان و مذاهب هم نجات می یابند یا این که به جز پیروان یک دین، پیروان ادیان دیگر پس از مرگ به دوزخ رفته و دچار عذاب ابدی می گردند؟

ج. پرسش معرفت شناسانه: آیا ادیان و مذاهب مختلف همگی برحق اند یا خیر؟ (خسروپناه، مسائل جدید کلامی و فلسفه دین (۲)، ۱۳۹۳: ۱۵۹).

با توجه به تقسیمات فوق جهت بحث کثرت گرایی بسیار مهم است، آنچه مورد نزاع و بحث است، این که آیا ادیان دیگر به حق هستند و پیروان آنها اهل نجات یا خیر؟ کثرت رایج در میان عارفان از محل بحث خارج است و در حوزه هستی شناسی مطرح می گردد (همان: ۱۷۵).

در مورد پرسش اخلاقی مسئله پلورالیسم، مبنی بر اینکه با پیروان ادیان و مذاهب دیگر چه رفتاری باید داشته باشیم؟ معتقدیم که پیروان مذاهب دیگر در صورتی که دشمنی با مسلمانان نداشته باشند و در حالت صلح با مسلمانان به سر ببرند، باید با آنها رفتاری مناسب داشت؛ حقوق آنها کاملاً محترم خواهد بود و هیچ مسلمانی حق از بین بردن حقوق آنها را ندارد. فراموش نکنیم که یکی از تندترین سخنرانی های امام علی علیه السلام مربوط به زمانی بود که خلخالی از پای یک زن یهودی به سرقت برده بودند و امیر مؤمنان علیه السلام از ضایع شدن حق این زن یهودی، بسیار برآشفته شده بودند. از این نمونه ها در فرهنگ اسلامی و شیعی بسیار است (همان: ۱۷۶).

در مورد پرسش کلامی و مسئله نجات، گروهی که قرآن آنان را کافر داشته است، نمی تواند اهل نجات باشد، همان طور که گذشت، الوهیت حضرت عیسی، مسیح پسر خداست، تثلیث در اندیشه مسیحیان و عزیز پسر خداست. در اندیشه یهودیان یا نسبت های کفر که در قرآن برای اهل کتاب آمده است (آل عمران/ ۷۰، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱)؛ نشان از آن است که اینها اهل نجات نیستند، مگر یک گروه



که جاهل قاصر باشند و مطابق آیات ۹۷ و ۹۸ سوره نساء که در اصطلاح قرآنی به آن مستضعف می‌گویند که هیچ خبری از دین حق یا برتری اسلام به آنان نرسیده باشد. ممکن است نجات پیدا کنند یا به بهشت راه یابند.

در مورد پرسش معرفت‌شناسانه، آیا ادیان همگی برحق‌اند یا تنها یک دین برحق است؟ قرآن کریم ادیان گذشته؛ یعنی آنچه بر حضرت عیسی و موسی نازل شده است، مورد تأیید قرار داده و به‌طور مسلم بهره‌هایی از معرفت در آن‌ها نیز وجود دارد؛ اما در هر زمان دین حق یکی است و راه حق یک راه بیشتر نیست و همه راه‌های فرعی باید به آن راه اصلی و صراط مستقیم منتهی شوند. دین اسلام همانند خورشید و ادیان الهی دیگر همانند ستاره‌هایی هستند که هر دو نور دارند؛ اما با وجود نور خورشید، ستاره‌ها خودبه‌خود کم‌نور خواهند شد و دین اسلام کامل‌ترین دین و کامل‌کننده ادیان الهی قبلی بوده‌اند، اگرچه همه زمینه‌ساز بوده‌اند، لذا قرآن کریم خود را مهیمن بر سایر کتاب‌های آسمانی می‌داند (مائده/۴۸).

این حقیقت دان، نه حَقِّند این همه نی به کلی گمراهانند این رَمه

آنکه گوید جمله حَقِّند احمقی است وانکه گوید جمله باطل او شقی است

نه می‌تواند همه ادیان حق باشند و نه می‌تواند هیچ‌کدام از ادیان حق نباشد و همه باطل باشد، یک دین صراط مستقیم است و یک دین قابل‌پذیرش است و در دوران معاصر یا از زمان پیامبر اسلام به بعد، این دین اسلام است که مهیمن است و برتری دارد.

۶. روایات اسلامی نیز بر نفی کثرت‌گرایی دلالت دارد و دین حق را یکی و آن را تنها اسلام می‌داند، در روایتی پیامبر اسلام ﷺ در پاسخ به سؤالات عبدالله بن سلام فرمودند: دین خدا یکی است و تعددبردار نیست، خدای سبحان نیز یکی است و شریک ندارد (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۳۲۷/۹).

امام علی علیه السلام از رسول خدا ﷺ پرسیدند، دین حق کدام است؟ حضرت فرمودند: «الاسلام و الولاية اذا انتهیت الیک» تنها دین حق اسلام و ولایت که به تو [ای علی] منتهی می‌شود (همان: ۲۵/۲۰۸).

۲. تحریف کتاب مقدس

یکی از مسائل مورد نزاع میان اسلام و مسیحیت، مسئله تحریف کتاب مقدس (تورات و انجیل) است. مسلمانان از دیرباز معتقد بودند: تورات و انجیل که خدا نازل کرده، تحریف شده و مسائلی مانند بشارت به ظهور حضرت ختمی مرتبت ﷺ از آن‌ها حذف و خرافاتی چون جسمانیت خدای متعال به آن افزوده شده است (توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ۱۳۷۹: ۲۴۷). نکته قابل توجه این‌که قرآن در آیات فراوانی به نازل شدن تورات و انجیل تصریح می‌کند، از جمله (آل عمران/ ۴۳)؛ اما در هیچ کجا از نزول اناجیل سخن نگفته است. افزون بر آن‌که مسیحیان تصریح دارند که آن کتاب‌ها (انجیل‌ها) نوشته‌های انسان‌هاست که در بردارنده پیام‌های نازل شده خدا بر حضرت عیسی ﷺ است. به اعتقاد متکلمان مسیحی، الفاظ آن از جانب خداوند نیست و هیچ ضمانتی برای معصوم بودن محتوای آن وجود ندارد (باربور، علم و دین، ۱۳۷۴: ۱۲۶)؛ اما آنچه بدیهی به نظر می‌رسد، این‌که یهودیان و مسیحیان اتهام تحریف کتابشان را نمی‌پذیرند (توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ۱۳۷۹: ۲۴۸).

در آیه ۷۵ و ۷۶ بحث تحریف کتاب مقدس است. آیا یهودیان و مسیحیان کتاب مقدس را تحریف کرده‌اند یا نه؟ اصل بحث نزول تورات و انجیل از جانب خدای متعال توسط قرآن کریم مورد تأیید قرار گرفته است؛ اما آن چیزی که امروزه در میان مسیحیت یا یهود است یا کتاب مقدس است، امروزه مورد تأیید اسلام نیست و قرآن آن را کتابی تحریف شده می‌داند. آیه ﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ می‌فرماید: طمع نداشته باشید و امید به ایمان اهل کتاب نداشته باشید، در حالی که عده‌ای از آنان کلام خدا را می‌شنوند، سپس تحریف می‌کنند.

برخی از مفسران مانند مرحوم طبرسی تحریف در این آیه را به معنای تحریف معنوی گرفته‌اند؛ یعنی گفته‌اند که منظور تفسیر کردن و تبیین آیاتی است که آن‌ها به غلط تبیین می‌کردند، نه اینکه دستبرد لفظی به آیه و کتاب تورات زده باشند؛ اما در هر صورت بحث تحریف تنها در این آیه نیامده است، بلکه در آیات دیگری هم آمده است ﴿قَوْلٍ لِّلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٍ لَّهُمْ مَّا كَتَبْتَ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ﴾؛ (بقره/ ۷۹) در این آیه بحث تحریف به دستبرد لفظی و به کتابت کتاب‌های آسمانی یا کتاب خودشان مطرح است. در حالی که در تفسیر معاصرانه تحریف کتاب مقدس را به معنای تأویل می‌دانند و به اعتقاد ایشان حتی با این بیان که



مفسران متقدم چندان مشتاق نبودند تا در متن کتاب مقدس مناقشه کنند.

مفسران گذشته در فکر این نبودند که بگویند حالا این کتاب مقدس تحریف شده یا نشده، الفاظ آن مورد تحریف قرار گرفته یا نگرفته، درحالی که تصریح دانشمندان ما به تحریف کتاب مقدس و بسیاری از مفسران حتی خود فخر رازی و مرحوم طبرسی و بسیاری از علمای ما مانند علامه طباطبایی تصریح به تحریف است، اگرچه در آیه ۷۵ تحریف را تحریف معنوی گرفته‌اند؛ اما تحریف لفظی را نیز مورد تأیید قرار داده‌اند.

بعد ایشان می‌گوید: مفسران متقدم چندان مشتاق نبوده‌اند تا در متن کتاب مقدس مناقشه کنند و ترجیح داده‌اند که تحریف را نوعی خطا و تفسیر مغرضانه بدانند (نصر، تفسیر معاصرانه، قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۲۰۶/۱).

تفسیر مغرضانه بر اساس باور امت که تحریف کتاب مقدس درست نیست! چرا؟ چون چنین چیزی تعارض با سایر آموزه‌های کتاب مقدس دارد و اصلاً تحریف کتاب مقدس به خاطر تواتر امکان ندارد و اگر هم درجایی بحث تحریف شده باشد، صرفاً حدس و مفروض برخی از مفسران می‌داند، صرفاً یک حدسی است که از جانب افراد آمده است.

در ذیل آیه ۷۵ علامه طباطبائی می‌فرماید: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ»: کتمان حقایق و تحریف از عادت و رسم دیرینه این طایفه است و سیاق آیه نیز به تحریف تورات اشاره دارد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۳: ۲۱۳/۱).

در ذیل آیه ۷۹ که دلالت بر تحریف دارد، صفات پیامبر را در تورات به خاطر حسادت و دشمنی‌ها محو کردند و از بین بردند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸: ۲۹۳/۶)؛ منظور از کتاب در این آیه تورات است که با دستان خود آن را تغییر دادند (رازی، روض الجنان و روح الجنان، ۱۳۷۱: ۲۰/۲).

یهود گرفتار تحریف کتاب شده و اینک از سوی اسلام منسوخ شده‌اند، چنان‌که آیه ف.ق آشکارا بر تحریف آن‌ها اشاره دارد (مصباح یزدی، راهنمایشناسی، ۱۳۸۳: ۳۶۰-۶۵۶).

همچنین طبق روایت شیخ صدوق، امام رضا علیه السلام در مناظره با جاثلیق به مفقود شدن انجیل اصلی و اختلافات در انجیل‌های موجود و بشری بودن چهار انجیل که به دست افراد پس از حضرت عیسی علیه السلام به نگارش درآمده، تصریح می‌کند و آن را برای جاثلیق به اثبات می‌رساند (ابن بابویه، عمود اخبار الرضا، ۱۳۷۸: ۳۱۳/۱).

۳. مسخ شدگان

آیه ۶۵ سوره بقره که بحث عده‌ای از یهودیان را به خاطر تخلفشان از آن برنامه‌ای که خداوند متعال تعیین کرده بود، مطرح می‌کند. برنامه ممنوعیت ماهیگیری و تعطیلی روز شنبه که آن‌ها آمدند در روز شنبه ماهیگیری را به شکل دیگری انجام دادند و از فرمان خدا تخلف ورزیدند که خداوند این‌طور می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾؛ طبق این آیه مسخ شدن یهودیان تصریح قرآن است و مفسران اسلامی به این نکته تصریح کرده‌اند که با تعبیر «کونوا» به صورت یک فرمان تکوینی الهی در خلقت آن‌ها صورت گرفته است و بوزینه شدن عده‌ای از یهودیان را که در این آیه و آیات دیگر (مائده/۶۰؛ اعراف/۱۶۶) مطرح کرده است، امری قطعی است که تا سه روز این‌ها به شکل میمون درآمدند و بعد از دار دنیا رفتند و نسلی نیز از آن‌ها پدید نیامد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۳: ۸/۳۰۳).

مرحوم طبرسی می‌نویسد: آن‌ها به شکل میمون درآمدند و دارای دُم بودند، درحالی‌که قبلاً انسان و مردان و زنان بودند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۴، ۷۵۹؛ مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۶/۴۳۴).

در صورتی که در تفسیر معاصرانه این حقیقت را نمی‌پذیرند و این آیه را مشابه آیاتی که تمثیل زده شده بر مورد حیوانات می‌داند، مثل آیاتی که می‌فرماید: «کمثل الحمار، کمثل العنکبوت یا کمثل الکل» آنجا تمثیل هست، حقیقتاً و ممکن است ظاهر و چهره علمایی که به کتابشان عمل نمی‌کنند، حمار شده باشند، یعنی به ظاهر حمار نشده‌اند؛ اما توصیف به حمار شدند و این آیه نیز مانند آن آیاتی است که در مقام بیان تمثیل است، نه واقعیتهایی که در مورد بوزینه شدن یهودیان باشد (همان: ۱/۱۹۶ - ۱۹۷).

همچنین در تفسیر معاصرانه در ذیل آیه ۶۰ سوره مائده می‌نویسد: بدین ترتیب این‌که خداوند برخی را بوزینه و خوک کرده است، می‌تواند استعاره‌ای برای وضعیت کسانی - در دنیا و آخرت - باشد که عامدانه حرمت شریعت را می‌شکنند، این‌ها را می‌توان همچنین اشارتی دانست، به این‌که خداوند دل‌هایشان را تغییر می‌دهد، سخت‌شان می‌سازد و در معرض غفلت‌شان قرار می‌دهد (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۲/۳۷۷).

و تمثیل عقوبت و مجازات برای آنان نمی‌شود و این‌که با تعبیر ﴿كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾ آمده است، سرعت در امر تکوینی را می‌رساند که فوراً به اراده الهی این گروه تبدیل به بوزینه شدند (فخر رازی،



تفسیر کبیر، ۱۴۰۶: ۵۴۱/۳؛ ابن عطیه، المحرر الوجیر فی تفسیر الکتاب العزیز، ۱۴۱۳: ۱/۱۶۰). تنها قول مجاهد از مفسران تابعین است که تمثیل را پذیرفته است (همان)

این تفسیر با تصریح قرآن و دیدگاه‌های عموم مفسران مطابقت ندارد و روایات فراوانی نیز در مسخ و تبدیل آن‌ها به بوزینه از امام علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام عسکری علیه السلام وارد شده است. در این روایات آمده است: آن گروهی که امر به معروف و نهی از منکر کردند، نجات یافتند و گروهی که از امر الهی تخلف کردند، شب‌هنگام خداوند همه آن‌ها را اعم از زن و مرد به بوزینه تبدیل کرد (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۲/۵۹۸-۶۰۰).

۴. تثلیث و معنای آن

در آیاتی از قرآن مسئله تثلیث یا الوهیت حضرت عیسی علیه السلام مطرح شده است که مسیحیت چنین عقیده‌ای دارند، در آیه ۷۳ سوره مائده آمده است: کسانی که گفته‌اند خدا سومین از سه تاست، کافر شده‌اند. همچنین در آیه قبل (مائده/ ۷۲) کسانی که معتقد به الوهیت حضرت مسیح هستند، کافر شمرده شده‌اند.

در تفسیر معاصرانه ابتدا بیان می‌دارد: «این آیه (مائده/ ۷۳) عقیده مسیحی تثلیث یا لااقل گونه‌ای غلوآمیزی از آن عقیده را که بر طبق آن خدا یکی از سه هویت جداگانه‌ای است که باید پرستیده شود، نقد می‌کند (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۳۹۹)؛ سپس به بیان دیدگاه‌ها درباره تثلیث پرداخته و معروف‌ترین دیدگاه در معنای آن را بیان می‌دارد: مفسران عموماً واقف بوده‌اند که بر طبق آموزه مسیحی راست‌اندیشانه درباره تثلیث، خدا، مسیح علیه السلام و روح القدس (و نه مریم) سه شخص در خدای واحد تلقی می‌شوند (همان)؛ و به نقل از فخر رازی می‌گوید: این سه شخص در آموزه مسیحی راست‌اندیشانه، برای مسیحیان نمایانگر سه وجه خداوند [یعنی آب و ابن و روح القدس] به ترتیب نماینده ذات او، کلمه او و حیات اوست (همان: ۱/۴۰۰)

طبق آیه ۷۳ طرح مسئله تثلیث و حکم به کفر بودن و وعده عذاب الهی برای چنین اعتقادی امری روشن و قطعی است؛ اما پس از بیانات فوق نویسندگان تفسیر معاصرانه بر این باورند: اولاً: این تهدید برای همه مسیحیان نیست، ثانیاً: وعده عذاب همه مسیحیان با آیه ۶۹ مائده و ۶۲ سوره بقره در تناقض است.

در تفسیر معاصرانه چنین آمده است: در این آیه به وضوح فقط کسانی که از ایشان که کافر شده‌اند،

تهدید به عذاب می شوند و این مشعر به آن است که این تهدید برای همه مسیحیان نیست. به علاوه، تفسیری که بر طبق آن همه مسیحیان در آخرت از بهشت محروم‌اند، هم با آیه ۶۹ و هم با آیه ۶۲: ۲ (و همچنین آیه ۱۳: ۳) متناقض است، چون بر طبق آن‌ها هر کس که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشد و عمل شایسته انجام دهد، نه بی‌می برایشان است و نه اندوهگین شوند و هم با توصیف فضیلت مسیحی در آیات ۸۵-۸۲ (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۴۰۰ و ۴۰۱)

نقد و بررسی

واژه تثلیث اگرچه در کتاب مقدس مسیحیان وارد نشده است، ولی به تصور مسیحیان، ریشه‌های مفهوم سه‌گانگی در عهد جدید احساس می‌شود و عبارت اعطای حق تحمید در پایان انجیل «متی» آن را صریحاً بیان کرده است. «ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تحمید دهید» (توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ۱۳۷۹: ۱۸۶).

نویسندگان مسیحی عرب‌زبان برای رساندن مفهوم تثلیث از واژه یونانی الاصل «اُقنوم» استفاده کرده‌اند، معادل لاتینی کلمه «اُقنوم» persona (یعنی نقاب) است. عبارت پدر، پسر و روح القدس در انجیل (متی: ۲۸: ۱۹) و نیز افزون متن «پدر»، «کلمه» و «روح القدس» در رساله اول یوحنا ۵: ۷-۸ برای اثبات تثلیث است؛ بنابراین اگرچه کلمه تثلیث در کتاب مقدس مسیحیان نیامده است؛ اما امری است که امروزه مورد تأیید مسیحیان است، اگرچه ممکن است، تفسیرهای متفاوتی داشته باشد و همه آنان «اب و ابن و روح القدس» را به‌نوعی به‌عنوان اُقنوم یا ذات یاد الهی پذیرفته‌اند و این همان مسئله‌ای است که با توحید خالص منافات داشته و قرآن آن را کفر می‌داند.

علامه طباطبائی در ذیل آیه ۷۳ مانده می‌نویسد: این که خداوند یکی از آن سه است: اب و ابن و روح القدس و الوهیت منطبق با هر یک از این سه است و لازمه آن این است که بگوییم، اب خداست و ابن خداست و روح القدس خداست، اگرچه بگوییم خدا یکی است؛ زیرا در هر صورت موجب کثرت می‌شود و عقل آن را نمی‌پذیرد و در مورد خدا قابل تعقل نیست (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۳: ۷۰/۶)

در آیه ۷۲ مسئله الوهیت مسیح مطرح شده و در آیه ۷۳ تعدد خدایان از نظر مسیحیان یعنی «تثلیث در توحید» و می‌گوید: آن‌ها که گفته‌اند: سومین اُقنوم از اقانیم سه‌گانه است، به‌طور مسلم کافر شده‌اند ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثَةٌ﴾ (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۳۴ / ۵).
چند نکته قابل توجه است:



۱. این که از برخی مفسران مانند فخر رازی، قرطبی، ابن کثیر و طبری (نصر)، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ج ۲، ص ۳۹۹-۴۰۱)؛ و یا حتی طبرسی در مجمع البیان مسئله تثلیث را به فرقه‌ای از مسیحیان به نام یعقوبیه یا فرقه ملکانه و نسطوریه که قائل به خدایان سه‌گانه هستند نسبت داده‌اند، این گونه نیست؛ زیرا «اعتقاد به تثلیث در میان همه مسیحیان عمومیت دارد، همان طور که اعتقاد به توحید و یگانگی خدا در میان مسلمانان قطعی و مسلم است، منتها آن‌ها در عین اینکه خدایان را حقیقتاً سه‌گانه می‌دانند، یگانه حقیقی نیز می‌دانند و به اعتقاد آن‌ها سه واحد حقیقی یک واحد حقیقی را تشکیل می‌دهند» (همان). امروزه در میان مسیحیان هیچ طایفه‌ای را نمی‌یابیم که به خدایان سه‌گانه قائل نباشند.

۲. اعتقاد به تثلیث با هر تفسیری چه وحدت خدایان سه‌گانه یا خدا بودن ذات هر یک از ابن و اب و روح القدس و چه سه خدایی بودن همه، با توحید حقیقی منافات دارد و موجب کفر است که قرآن آن را مطرح نموده است.

۳. این که در تفسیر معاصرانه بیان کرده است، اعتقاد به تثلیث موجب کفر و عذاب و محرومیت از بهشت می‌شود، با آیه ۶۹ سوره مائده در تناقض است و صرف ایمان و عمل صالح برای طرفدار هر دین کافی است، موضوعی است که در بحث تکثرگرایی موردنقد قرار گرفت و به اثبات رسید که طبق آموزه‌های قرآنی، دین حق تنها یکی است و تنها کسانی از ادیان دیگر نجات پیدا می‌کنند که به اصطلاح قرآنی «مستضعف» باشند و ایمان و عمل صالح در زمان هر پیامبر و پیروان وی مورد قبول است، نه در زمان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله.

۵. آتش موقت برای یهود

یکی از تفکرات یهودیان طبق نقل قرآن، موقت بودن آتش جهنم برای آنان است، قرآن از بیان یهودیان چنین نقل می‌کند: «وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً» (بقره/ ۸۰)؛ «قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ» (آل عمران/ ۲۴).

این یکی از ادعاهای یهود و دیدگاه‌های نژادپرستانه یا اعتقاد به برتری نژادی ملت یهود است، در تفسیر نمونه آمده است: «اعتقاد به برتری نژاد ملت یهود و این که آن‌ها تافته‌ای جدا بافته‌اند و گناهکارانشان فقط چند روزی کیفر و مجازات می‌بینند، سپس بهشت الهی برای ابد در اختیار آنان است، یکی از دلایل روشن خودخواهی و خودپرستی این جمعیت است، مگر یهود چه کرده بودند که

می‌بایست تبصره‌ای به سود آن‌ها بر قانون کلی مجازات زده شود» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۱/۳۲۲)

در تفسیر معاصرانه پس از بیان زمان مدت محدود که چهل شب یا بیشتر یا کمتر است، به توجیه این ادعای یهود می‌پردازد و مسلمانان را در این ادعا شریک می‌داند و می‌نویسد: «مسئله اقامت موقت در دوزخ مسئله به‌غایت مهمی است، به این اعتبار که جریان اصلی کلام اسلامی مکان این را که [درنهایت] مؤمنان از دوزخ خلاص شوند، می‌پذیرد و این موضعی است که از آیاتی است (۲۸: ۶ و ۱۰۷: ۱۱ و ۲۳: ۷۸) استنباط می‌شود و احادیث هم دلالتی بر این موضع دارند و در آن‌ها از شفاعت در حق اهل دوزخ که به‌موجب آن پس از دوره‌ای از زمان دوزخ را ترک می‌کنند، سخن به میان آمده است» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۲/۲۱۲ - ۲۱۳).

طبق این تفسیر بر اساس آیه ۱۲۸ سوره انعام مسلمانان وارد جهنم می‌شوند، این‌ها وارد آتش می‌شوند و جمله: «إلا ما شاء ربُّك» را قرینه می‌آورد، بر اینکه عده‌ای از جهنم نجات پیدا می‌کنند و برمی‌گردند.

بررسی و نقد

۱- محتوای این دو نوع آیات متفاوت است، آن دارد تفکر و اندیشه یهودیان را نقل می‌کند که اصلاً اعتقاد دارند، سایر ملل و سایر ادیان باید در آتش بسوزند و یهودیان هرگونه تخلفی انجام دهند، در آتش نخواهند سوخت، جز آن چهل شب یا چند سال که در تفسیر آمده است؛ اما در مورد مسلمانان چنین تفکر و اندیشه‌ای نداریم. اگر مسلمانی از دین برگردد و اعتقادات را زیر پا بگذارد و یا به دینش عمل نکند یا منافق باشد، چنین مسلمانی در حد کفار است و در آتش جهنم خواهد سوخت.

۲- در آیه ۸۱ و ۸۲ سوره بقره که ادامه تفکر باطل یهود است، با یک بیان منطقی و روشن پندار اشتباه یهود را ابطال می‌کند و قانون کلی و عمومی این است که «آری کسانی که تحصیل گناه کنند و آثار گناه سراسر وجودشان را بپوشاند، آن‌ها اهل دوزخ‌اند و همیشه در آن خواهند بود». در ادامه درباره مؤمنان می‌فرماید: کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، آنان اهل بهشت هستند و جاودانه در آن خواهند بود. و مراد از «سینه» در آیه ۸۰ یا شرک است، یا گناه کبیره که موجب آتش است و بدی‌ها و خطاها همه اطراف او را احاطه کرده باشد (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۱/۳۹۵)

۳- در آیه ۱۲۸ سوره انعام سرنوشت مجرمان گمراه و گمراه‌کننده دارد و انسان‌های منحرف را



مورد خطاب قرار داده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۵/ ۴۴۰).

بر اساس سیاق آیات منظور مشرکان و پیروان شیاطین هستند که جایگاه آنان آتش مگر بر اساس حکمت الهی افرادی که اعمال مثبتی داشته‌اند، قابلیت شمول عفو الهی را دارند؛ زیرا خداوند هم کیفرش بر اساس دقت و حساب و حکمت است و هم عفو و بخشش او (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۳: ۷/ ۳۵۳).

نتیجه گیری

با مطالعه آرای سید حسین نصر در تفسیر معاصرانه قرآن می توان اینگونه نتیجه گرفت:

۱_ تلاش نویسندگان تفسیر معاصرانه قرآن برای بررسی گروه های مختلف و ارتباط آن با قرآن، و اسلام و رفتار مسلمانان با آنها، بی طرفانه نیست و متاسفانه تمایل شان برای حمایت از مسیحیان و یهودیان کاملاً محسوس و مشهود است.

۲_ عدم تحریف کتاب مقدس که مورد حمایت این تفسیر قرار گرفته است، به نظر نگارنده این گونه موارد با اندیشه های دینی اسلامی در تضاد است که هر یک از این موارد ادعایی با اشکالات جدی مواجه است.

منابع

۱. ترجمه قرآن کریم، رضایی اصفهانی، محمدعلی، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم: ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا، نشر اسلامی، قم: ۱۳۷۸ ش.
۳. ابن عطیة، عبدالحق، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، دار الکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۱۳ ق.
۴. باریور، ایان، علم ودین، مرکز نشر دانشگاهی، تهران: ۱۳۷۴.
۵. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اسماعیلیان، قم: بی تا.
۶. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، انتشارات کتاب طه (وابسته به موسسه فرهنگی طه)، تهران: ۱۳۷۹.
۷. خسروپناه، عبدالحسین، مسائل جدید کلامی و فلسفه دین (۲)، انتشارات مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم: ۱۳۹۳.
۸. رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان، تصحیح: محمدجعفر ناصح، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۷۱ ش.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۳۹۳ هـ ق.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
۱۱. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۰۶ ق.
۱۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفا، بیروت: ۱۴۰۴ ق.
۱۳. مصباح یزدی، محمد تقی، راه و راهنماشناسی، بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۳ ش.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۳ ش.
۱۵. نصر، سید حسین، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ترجمه: انشالله رحمتی، انتشارات سوفیا، تهران: ۱۳۹۹



Resources:

۱. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Esfahani et al., Al-Mustafa (P) International University Publications, ۲۰۰۹.
۲. Barbour, Ian, Science and Religion, Markaz Nashr Danishgahi (IUP) [Institute of University Press], ۲۰۱۵.
۳. Tawfiqi, Hossein, Introduction to Great Religions, Taha Book Publications (Affiliated to the Taha Cultural Institute), ۲۰۰۰.
۴. Hosseini Bahrani, Seyyed Hashim bin Sulayman, Al-Burhan fi Tafsir al-Quran [A Demonstration in the Exegesis of Quran], Muassasah Isma'ilian, Qom [n.d.].
۵. Khosropanah, Abdul Hussein, The Modern Theological Issues and Philosophy of Religion (۲), Al-Mustafa (P) International Translation and Publication Center, ۲۰۱۴.
۶. Razi, Abu al-Futuh, Rawdh al-Jinan wa Ruh al-Janani [The Cool Breeze of Paradise and [God's] Breath for the Soul], Edited by Muhammad Ja'far Naseih, Astan Quds Razavi Publications, Mashhad, ۱۹۹۲.
۷. Saduq, Muhammad bin Ali Ibn Babawayh (Sheikh Saduq), Uyun Akhbar Ar-Ridha [The Source of Traditions on Imam Ridha'], Nashr Islami [Islamic Publications], Qom ۱۹۹۹.
۸. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hussein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Manshurat Muassasah al-A'lami lil Matbu'at, Beirut, ۱۳۹۳ AH.
۹. Tabarsi, Fadl bin Hassan, Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran [A Collection of Expressions Concerning the Interpretation of Quran], Dar al-Ma'rifah, Beirut, ۱۴۰۸ AH.
۱۰. Tureihi, Fakhr al-Din Muhammad, Majma-ul-Bahrain [The Confluence of the Two Seas / The Mingling of the Two Oceans], Murtadhavi Bookshop, Tehran, ۱۹۸۶.
۱۱. Fakhr Razi, Muhammad bin Umar, Tafsir al-Kabir, Dar al-Ma'rifah, Beirut ۱۴۰۶ AH.
۱۲. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar [Oceans of Lights], Muassasah al-Wafa, Beirut, ۱۴۰۴ AH.
۱۳. Makarem Shirazi, Naser et al., Tafsir Nemooneh [The Ideal Exegesis], Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran, ۱۹۹۴.
۱۴. Nasr, Seyyed Hossein, The Contemporary Interpretation of Holy Quran [= "The Study Quran"], Translated by Inshallah Rahmati, Tehran: Sofia Publications, ۲۰۲۰.
۱۵. Mesbah, Muhammad Taqi, The Studies of Right Path and Guidance, Bustan Ketab, Qom, ۲۰۰۴